

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۳۵۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

یکشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۵
۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۸ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
• شماره ۵۵۰۳
۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰
اذان مغرب ۱۷:۴۷
اذان صبح فردا ۴:۵۰
طلوع آفتاب ۶:۱۴

جستارخوانی

هم امکان عبور هم امکان ماندن

فردین علیخواه، جامعه‌شناس و عضو هیئت‌علمی دانشگاه در مطلبی به تفاوت‌هایی که در زندگی‌مان رخ داده، اشاره می‌کند. او این بار سراغ خرید محلی رفته و خاطره‌ای از دکان صادق که حتی نیمه‌شب می‌شد از او کمک گرفت، تعریف می‌کند. در ادامه بخش‌هایی از نوشته او می‌آید.

●●●

آخرین باری که برای خرید به یک مغازه رفتید، فروشنده شما را می‌شناخت؟ می‌دانست چه کسی هستید، در کدام محله زندگی می‌کنید یا معمولاً چه چیزهایی می‌خرید؟

شاید این پرسش‌ها در نگاه اول چندان مهم به نظر نرسند، اما می‌توانند ما را به پرسشی بزرگ‌تر برسانند: فضاهایی که هر روز در آنها خرید می‌کنیم، فقط محل تهیه کالا هستند یا بخشی از زندگی اجتماعی ما را هم می‌سازند؟ دکان صادق فقط محل کسب او نبود؛ بخشی از زندگی اجتماعی محله بود. اگر مشکلی پیش می‌آمد، حتی در نیمه‌های شب، می‌توانستیم در خانه او را بزیم. خریدکردن در چنین فضایی فقط تعاملی اقتصادی نبود؛ خرید، درون شبکه‌ای از شناخت، اعتماد، خاطره و رابطه اتفاق می‌افتاد. حالا از دکان صادق فاصله بگیریم و سراغ هایپرمارکت‌ها برویم؛ فروشگاه‌های بزرگی که این روزها یکی پس از دیگری در شهرهای ما سر برمی‌آورند و به بخشی از تجربه روزمره خرید تبدیل می‌شوند. این وضعیت را می‌توان در امتداد تحلیل جامعه‌شناس آلمانی، گئورگ زیمل،

از زندگی در کلان‌شهر فهمید. جامعه‌شناس دیگری به نام اروینگ گافمن، از زاویه دیگری به این وضعیت نگاه می‌کند. در فضاها عمومی، انسان‌ها مجموعه‌ای از قواعد ناخوشته را رعایت می‌کنند تا بتوانند در کنار یکدیگر زندگی کنند. یکی از این قواعد، چیزی است که گافمن آن را «بی‌توجهی مدنی» می‌نامد؛ ما حضور دیگران را می‌بینیم، اما خیره نمی‌شویم، وارد حریم آنها نمی‌شویم و از آنها توضیح نمی‌خواهیم. در یک فروشگاه بزرگ، افراد زیادی کنار یکدیگر حرکت می‌کنند، اما هرکس تا حد زیادی در حریم شخصی خود باقی می‌ماند. این نوع هم‌حضور بدون رابطه مستقیم، یکی از ویژگی‌های مهم زندگی مدرن است (گافمن، ۱۹۶۳). فروشگاه زنجیره‌ای جومبو در هلند از سال ۲۰۱۹ در یکی از شعب خود صندوق با عنوان «صندوق گفت‌وگو» راه‌اندازی کرد؛ صندوقی با صفی که در آن سرعت، تنها هدف نیست و مشتری می‌تواند با صندوق‌دار صحبت کند. این ایده بعدها گسترش پیدا کرد و با هدف ایجاد فرصت برای گفت‌وگو و کاهش تهایی مطرح شد. در آلمان نیز ایده مشابهی با عنوان «صندوق گفت‌وگو» شکل گرفته است؛ صندوقی که مشتری می‌تواند آگاهانه آن را انتخاب کند، حتی اگر صف آن کندتر باشد.

برای من، خاطره دکان صادق در نهایت فقط نوستالژی یک مغازه قدیمی نیست؛ آن خاطره یادآور نوعی زندگی اجتماعی است که در آن خرید، اعتماد، همسایگی و شناخت یکدیگر در هم تنیده بودند. ارزش جهان گفت‌وگو در همین رابطه‌ها می‌باشد. است. اما دیگر الزاماً مجبور نیستیم همیشه شناخته شویم، همان‌طور که مجبور نیستیم همیشه ناشناس بمانیم. می‌توانیم در یک فضای مدرن خرید کنیم و کسی ما را نشناسد؛ می‌توانیم در یک بازار هفتگی با فروشنده گفت‌وگو کنیم؛ می‌توانیم صندوق با صف سریع را انتخاب کنیم یا صندوقی را که برای گفت‌وگو طراحی شده است. در جهان مدرن حتی مواجهه با سنت هم می‌تواند انتخابی باشد. الزام برای انتخاب وجود ندارد و این، به نظر، یکی از نکات مثبت جهان جدید است.

در نهایت، شاید فاصله میان دکان صادق و یک هایپرمارکت آن‌قدر که در نگاه اول به نظر می‌رسد، فاصله میان «گذشته» و «حال» نباشد، بلکه فاصله میان دو شیوه متفاوت از بودن در فضا باشد. دکان صادق به ما یادآوری می‌کند مکان بدون رابطه شکل نمی‌گیرد و هایپرمارکت می‌تواند یادآور این باشد که ناشناس‌بودن نیز لزوماً نقصان نیست. مسئله زندگی شهری امروز، پیداکردن تعادلی میان این دو است: شهری که هم جایی برای تنهاماندن داشته باشد و هم جایی برای شناخته‌شدن؛ هم امکان عبور بدهد و هم امکان ماندن.

النینو وقتی رخ می‌دهد که بادهای تجاری (بادهایی که معمولاً از شرق به غرب در اقیانوس آرام می‌وزند) ضعیف می‌شوند. در حالت عادی، بادهای قوی آب‌های گرم را به سمت غرب اقیانوس آرام– نزدیک اندونزی و استرالیا– می‌رانند و آب‌های سرد از عمق اقیانوس در سواحل آمریکای جنوبی بالا می‌آیند. وقتی این باده‌ ضعیف می‌شوند، آب‌های گرم دیگر به سمت غرب جمع نمی‌شوند و به سمت مرکز و شرق اقیانوس آرام حرکت می‌کنند. سطح آب در مرکز و شرق اقیانوس آرام گرم‌تر از حالت عادی می‌شود. این گرمایش، الگوهای جوی را تغییر می‌دهد و پدیده ال‌نینو شکل می‌گیرد. این پدیده بخشی از یک چرخه طبیعی بزرگ‌تر به نام نوسان جنوبی ال‌نینو (ENSO) است و معمولاً هر دو تا هفت سال یک بار رخ می‌دهد. سوپر ال‌نینو یا ال‌نینو بسیار قوی ۲۰۲۶–۲۰۲۷ تا شدت در حد یا فراتر از رویدادهای تاریخی برآورد شده، اثرات مستقیمی بر الگوی بارش و دما در خاورمیانه دارد و اثرهای اصلی آن با شرایط جنگ در تنگه هرمز و بازارهای جهانی نهاده‌ها و مواد غذایی تشدید می‌شود. این ترکیب، زنجیره تأمین غذا، کشاورزی و کسب‌وکارهای وابسته را در زمستان ۱۴۰۵ و سال ۱۴۰۶ تحت تأثیر قرار می‌دهد. این گرمایش، الگوهای باد و بارش را در سراسر جهان تغییر می‌دهد و باعث خشک‌سالی در برخی مناطق و بارندگی شدید در مناطق دیگر می‌شود. وقتی دمای سطح آب در منطقه کلیدی اقیانوس آرام بیش از حدود دو درجه سانتی‌گراد از میانگین بلندمدت بالاتر رود، به آن «سوپر» یا «بسیار قوی» می‌گویند.

اثر سوپر ال‌نینو بر ایران معمولاً باعث بارندگی بیشتر از میانگین در بخش‌هایی از ایران و خاورمیانه به‌ویژه در فصل‌های سرد می‌شود. از سوی دیگر، در فصل گرم دمای هوا اغلب گرم‌تر از حالت عادی و موج‌های گرما در بهار و تابستان بعدی تشدیدتر می‌شوند. اثر مستقیم روی کشاورزی ایران معمولاً کمتر از مناطق استوایی است، اما اگر با کمبود آب در تابستان، تحریم و مشکلات اقتصادی همراه شود، می‌تواند فشار روی تولید محصولات و هزینه‌ها را افزایش دهد. الگو بارش می‌تواند در برخی مناطق ایران پتانسیل افزایش بارش را فراهم کند و به کشت دیم یا پرشدن مخازن کمک کند، اما گرمای بیشتر نیاز آبی گیاهان را افزایش می‌دهد و خطر تنش حرارتی و اوقات را بالا می‌برد. کشاورزی خاورمیانه به‌شدت وابسته به واردات نهاده‌ها– کود، سوخت و بذر– بوده و در بسیاری از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) حدود ۷۰ تا ۹۰ درصد به واردات مواد غذایی وابسته است. تنگه هرمز مسیر حیاتی صادرات کودهای نیتروژنی–اوره و آمونیاک– از منطقه خلیج فارس است که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد صادرات جهانی اوره و ۲۰ تا ۳۰ درصد آمونیاک را پوشش می‌دهد. اختلالات ناشی از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه

بحث قیمت بنزین در ایران سال‌هاست میان دو دیدگاه گرفتار مانده است: گروهی سوخت ارزان را حق مردم می‌دانند و گروهی دیگر بر ضرورت مهار مصرف بی‌رویه، کاهش یارانه‌های ناکارآمد و مقابله با قاچاق تأکید می‌کنند. اما پرسش بنیادین این است که اگر دولت اصلاح قیمت انرژی را ضرورتی اقتصادی می‌داند، در مقابل چه تعهدی برای بهبود معیشت، ارتقای بهره‌وری و توزیع عادلانه منافع این اصلاحات بر عهده می‌گیرد؟ دولت به مردم بدهکار است؛ اما نه لزوماً از حیث تثبیت همیشگی قیمت‌های غیرواقعی، بلکه از منظر شفافیت، عدالت، پاسخ‌گویی و ارائه خدمات عمومی متناسب با یارانه‌ای که به تدریج از سهم سبد انرژی کاهش می‌یابد.

بنزین ارزان برای خانوار ایرانی صرفاً یک امتیاز نیست؛ در شرایط تورم، کاهش قدرت خرید، گرانی خودرو و لوازم بدکی و ضعف حمل‌ونقل عمومی، بخشی از معادله معیشت است. در مقابل، شکاف قیمت سوخت با کشورهای همسایه، نازاری انرژی، چالش‌های نظارت بر زنجیره توزیع و تفاوت نرخ ارز، انگیزه قاچاق و انحراف یارانه‌ها را تقویت می‌کند. در چنین شرایطی، یارانه‌ای که باید به مصرف‌کننده واقعی برسد، ممکن است به رانتی برای واسطه‌ها و سود قاچاقچیان تبدیل شود. بنابراین مسئله نه دفاع مطلق از ارزانی است و نه گران‌سازی به‌عنوان راه‌حل نهایی؛ بلکه بازطراحی نظام قیمت‌گذاری در حکمرانی انرژی است.

در این‌س مورد افزایش نرخ سوم بنزین (یعنی سوخت‌گیری با کارت اضطerrای جایگاه) از پنج هزار به ۱۰ هزار تومان را باید نمونه‌ای از حرکت

نمایش‌های «جزیره» به کارگردانی اکبر زنجانبور در تالار چهارسو، «بی‌ام‌ان، اشک» به کارگردانی محسن بخشی در تالار قشقایی، «بی‌چیز» به کارگردانی حسنا قبادی در تالار سایه و «یوران» به کارگردانی کامبیز بنان در کارگاه نمایش، در حالی‌که شامگاه جمعه ۲۴ مهرماه به اجراهای خود پایان دادند که آمار تماشاگران و میزان فروش این آثار نمایشی نیز به تفکیک اعلام شد. نمایش «جزیره» دوهزارو ۲۹۸ تماشاگر داشت و توانست فروشی معادل ۹۲میلیون و ۶۰۰ هزار تومان داشته باشد.



سازمان منابع طبیعی استان تهران می‌گوید حدود ۲۵ هزار اصله درخت آلوده ناکتون از پارک جنگلی چیتگر خارج شده و نزدیک به ۷ هزار اصله دیگر هم باید قطع شود. شهرداری منطقه ۱۲ این حذف را مقدمه احیا می‌داند؛ جایگزینی کاج‌های خشکیده با گونه‌هایی مثل زیتون تلخ، حدود ۲۰ کیلومتر لوله‌گذاری و رساندن آب در دسترس پارک– که زمانی نزدیک به صفر بود– به حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ لیتر بر ثانیه، عکس؛ مجید خواهی، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

تأثیر سوپر ال‌نینو بر زنجیره غذایی در ایران



مهدی زارع

ایران باعث آسیب به واحدهای تولید کود، افزایش قیمت جهانی کود تا حدود ۳۱ درصد در ۲۰۲۶ و محدودیت عرضه شده است. بازاریار کامل ظرفیت‌ها ممکن است سه تا پنج سال طول بکشد. این کمبود کود، همراه با افزایش قیمت سوخت و هزینه حمل‌ونقل، باعث کاهش مصرف کود در مزارع آسیب‌پذیر می‌شود و تولید محصولات را در فصل‌های کاشت ۱۴۰۵–۱۴۰۶ محدود می‌کند. در ایران، علاوه بر آسیب‌های مستقیم جنگ به زیرساخت‌های کشاورزی و زنجیره تأمین، هزینه تولید بالا می‌رود و دسترسی کشاورزان به نهاده‌ها دشوارتر می‌شود. محصولات غلات–کندم– و ذرت– سبزیجات و دام‌پروری که به آب و کود وابسته‌اند، بیشتر آسیب می‌بینند.

کشورهای حاشیه خلیج فارس با وجود ذخایر راهبردی چهار تا شش ماهه، در صورت طولانی‌شدن اختلالات با افزایش قیمت‌های داخلی و زنجیره تأمین مواجه می‌شوند. کشورهای شکننده‌تر مانند یمن، لبنان، سوریه و عراق که تولید داخلی محدود و بحران اقتصادی دارند، آسیب‌پذیرتر هستند. پیش‌بینی‌های جهانی نشان می‌دهد قیمت‌کندم دوروم (durum) افزایش می‌یابد و ذرت نیز روند صعودی ملایم دارد، در حالی که برخی محصولات مانند سویا ممکن است کمتر آسیب ببینند. این فشارها تا ۱۴۰۶ ادامه می‌یابد و تورم غذایی را تشدید می‌کند. کندم دوروم دومین گونه زراعی مهم‌کندم و دهمین محصول زراعی مهم دنیاست که حدود شش درصد سطح زیر کشت‌کندم را شامل می‌شود و تولید سالانه آن بین ۳۷ تا ۴۰ میلیون تن است. ترکیب ال‌نینو و جنگ ایران و بسته‌بودن تنگه هرمز اثر افزایشی دارد. خشکی یا گرمای غیرعادی در برخی مناطق تولید جهانی را کاهش می‌دهد و هم‌زمان هزینه نهاده‌ها و حمل‌ونقل بالا می‌ماند. سازمان‌هایی مانند FAO و WFP هشدار داده‌اند که این ترکیب می‌تواند میلیون‌ها نفر را به ناامنی غذایی جاد سوق داده و هزینه‌های کمک‌های بشردوستانه را افزایش دهد. برنج بیشترین آسیب را می‌بیند، چون بخش عمده تولید جهانی آن در جنوب و جنوب شرق آسیا متمرکز است و ال‌نینو معمولاً باران‌های موسمی–مانسون– را ضعیف

اقتصادخوانی

دولت به مردم بدهکار است

محمدحسین صفایی

تدریجی در نظام قیمت‌گذاری دانست. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی گفته که در هفته اول اجرای تغییر نرخ، میزان مصرف CNG حدود دو میلیون مترمکعب افزایش داشته است که چیزی معادل ۱۱ درصد افزایش محسوب می‌شود. این تحول می‌تواند نشانه‌ای از اثرگذاری ابزارهای قیمتی باشد؛ با این حال برای ارزیابی پایداری آن بایستی به داده‌های بلندمدت و تفکیک اثر قیمت از سایر عوامل نگاه کرد. همچنین عرضه بنزین سوپر تولید داخل با نرخ غیریارانه‌ای (حدود ۱۰۵ هزار تومان) در جایگاه‌های منتخب سراسر کشور تجربه‌ای متفاوت از بنزین سوپر وارداتی است و می‌تواند اطلاعاتی درباره رفتار بخشی از مصرف‌کنندگان فراهم کند. اما باز هم استقبال از این محصول را نمی‌توان معیاری قطعی برای پذیرش افزایش عمومی قیمت بنزین دانست. از سوی دیگر، اعلام اخیر رئیس‌جمهور مبنی بر خروج ۶۰۰ هزار کارت سوخت گازوئیل بی‌هویت از چرخه توزیع و تأمین نیاز کشور به بنزین بدون واردات، ضرورت تقویت کنترل هوشمند و شفافیت در مدیریت منابع را برجسته می‌کند.

اصلاح پایدار نظام انرژی باید بر محورهای تأثیرگذار متعددی استوار باشد. انتشار منظم داده‌های تولید، مصرف، واردات، صادرات، قاچاق کشف‌شده و میزان یارانه پنهان، همراه با گزارش عمومی از سرنوشت منابع حاصل از اصلاح قیمت، از موضوعات اصلی جلب اعتماد عمومی و همراهی مردم

نفت خام آمریکا که بر قیمت بنزین نیز تأثیر می‌گذارد، ۳۵ درصد جهش کرد و معاملات را در سطح ۱۰۱۴ دلار در هر بشکه به پایان رساند. این نخستین بار از ماه سپتامبر بود که نفت خام وست تگزاس اینترمدیت که هم معامله‌گران و هم عموم مردم قیمت آن را به دقت دنبال می‌کنند، از مرز صد دلار عبور کرد. ادامه روند صعودی قیمت انرژی، احتمال افزایش دوباره نرخ‌های بهره آمریکا را بیشتر می‌کند. فدرال‌رزرو پیش‌تر نرخ‌های بهره را ۰۰۵ واحد درصد افزایش داده بود. قراردادهای آتی گازوئیل نیز روز جمعه بیش از یک درصد افزایش قیمت داشتند.

تولید سالانه ۱.۴ میلیون تن خرما در ایران و برخورداری کشورمان از رتبه دوم جهانی در تولید این محصول، مهم‌ترین آماری است که ارائه شده است. از زمان وقوع جنگ تحمیلی سوم ناکتون صنعت خرما در شرایط حساسی قرار گرفته است. گردش مالی این صنعت در دنیا حدود دو میلیارد دلار است، اما ایران در صادرات این محصول سهم اندکی دارد. هزینه حمل برخی محموله‌ها با کانتنر نزدیک به ۱۲ برابر شده است، اما محاسبات کمکی و الزامات صادراتی همچنان بر مبنای شرایط دو سال گذشته انجام شود.

یادداشت

آوار بحران‌ها

بر اخلاق عمومی

حامدخانجانی

وقتی زلزله رخ می‌دهد و زمین زیر پا تکان می‌خورد، امکان راه‌رفتن استوار از بین می‌رود؛ کنترل خودروها از دست رانندگان خارج می‌شود و نظم و هم می‌ریزد. البته هستند افرادی که در شرایط عادی هم هنگام راه‌رفتن بعضاً تلو تلو می‌خورند یا به دیگران تنه می‌زنند؛ یا خودروهایی که پیش‌بینی‌پذیر و منظم رانندگی نمی‌کنند، اما تعدادشان زیاد نیست. زلزله، مرز میان ناتوانی فرد و بی‌ثباتی محیط را از میان برمی‌دارد. این تصویر را می‌توان به جوامع و سازمان‌هایی تعمیم داد که در معرض بحران قرار می‌گیرند. در بحران رفتار آدم‌ها متفاوت از شرایط عادی بروز می‌کند. در یک جامعه باثبات، قواعد نسبتاً روشن هستند، آینده تقریباً پیش‌بینی‌پذیر است و افراد می‌توانند میان رفتار خود و پیامدهای آن رابطه‌ای معنادار برقرار کنند. اما در سازمان‌ها و جوامع بحران‌زده قواعد رفتاری به هم می‌ریزد. بی‌نظم‌تر و به‌هم‌ریخته‌تر آنکه جوامع مدت مدیدی را در انواع بحران‌ها سپری کرده باشند و وضعیت کنونی انباشت انواع بحران‌ها باشد. در جوامعی که پیوسته با بحران‌های مختلف از ناکارآمدی و بی‌عدالتی و مشکلات اقتصادی مواجه‌اند، زمین زیر پای افراد و نهاده‌ها پیوسته می‌لرزد. در چنین وضعیتی، حتی افراد سالم، اخلاقی و کارآمد نیز ممکن است تعادل خود را از دست بدهند. رفتار انسان صرفاً محصول شخصیت فردی او نیست؛ بلکه پاسخی است به جهانی که در آن زندگی می‌کند. وقتی امید به آینده کم‌رنگ می‌شود و امکان تحقق ایدئال‌ها کاهش می‌یابد، قواعد زندگی به «برون‌رفت از وضعیت فعلی» تغییر می‌کند. اضطراب، سیاست را از رشد و توسعه به بقا تقلیل می‌دهد. دیگر انتظار قانون‌مداری از افراد بی‌بوهه است، فرصت‌طلبی و منفعت شخصی جای آن را می‌گیرد. انسانی که در محیطی ناامن فقط به نجات امروز خود فکر می‌کند، الزاماً ذاتاً خودخواه و بی‌اخلاق نیست؛ چه‌بسا آفق آینده چنان تیره شده است که دیگر مجالی برای رفتار بلندمدت نیست. مسئولانه نمی‌بیند. البته اضطراب هم درجه و طیف دارد و ظرفیت افراد نیز متفاوت است. نمی‌توان در هر بحرانی مسئولیت افراد را به‌کلی منتفی دانست. لرشز زمین توضیح می‌دهد که چرا مستقیم و درست رفتن دشوار شده است، اما هر انحرافی را توجیه نمی‌کند. همچنان تفاوت هست میان کسی که برای حفظ تعادل چند نام به چپ و راست می‌رود و کسی که از آشفتنگی برای غارت و حذف دیگران بهره می‌گیرد. بحران می‌تواند زمینه رفتار نادرست را فراهم کند، اما مسئولیت انتخاب را یکسر از میان نمی‌برد.

انسان، هرچند درون شرایط تاریخی و اجتماعی خود محدود است، هرگز صرفاً محصول منفعل آن شرایط نیست، نمی‌توان از حرکت ایستاد و بی‌عمل ماند. اما شاید عقلانی‌ترین انتخاب در برخی مواقع این باشد که دامنه ارتباطات، کشش‌ها و انتخاب‌ها را آگاهانه کوچک‌تر کنیم. دشواری جوامع بحران‌زده آن است که بحران در آنها دیگر یک حادثه موقت نیست، بلکه به وضعیت عادی تبدیل می‌شود. نسل‌هایی که در بی‌ثباتی بزرگ می‌شوند، لرشز را طبیعی می‌پندارند و چه‌بسا فراموش کنند که زمین می‌تواند آرام باشد. در چنین شرایطی، کج‌رفتاری و اغوجاح از یک واکنش موقت به بخشی از فرهنگ تبدیل می‌شود؛ بی‌اعتمادی به تجربه‌ای موروثی، قانون‌گریزی بر مهارتی برای زندگی و کوتاه‌مدت‌گری به عقلانیتی روزمره بدل می‌شود. جامعه فقط از بحران آسیب نمی‌بیند؛ بلکه به‌تدریج خود به باتولیدکننده آن تبدیل می‌شود. خروج از این چرخه با موعظه اخلاقی ممکن نیست، نمی‌توان از مردم خواست مستقیم راه بروند، در حالی که زمین همچنان می‌لرزد. همان‌گونه که نمی‌توان به بهانه لرشز زمین، بر نوع انحراف و تخریی را پذیرفت.

راه برون‌رفت، مستلزم حرکتی هم‌زمان در دو جهت است: اصلاح ساختارهایی که بی‌ثباتی، تبعیض و بی‌اعتمادی تولید می‌کنند و تقویت انسان‌هایی که حتی در دل بحران، مسئولیت اخلاقی خود را به‌کلی واگذار نمی‌کنند. جامعه بحران‌زده در حالی که هنوز زمین زیر پایش می‌لرزد، باید سعی کند هم تعادل خود را حفظ کند، هم راه خروج را بیابد و هم بنای مقاومت برساند. از این‌رو پرسش اصلی این نیست که چه کسانی منحرف شده‌اند؛ بلکه باید پرسید چرا زمین می‌لرزد و چگونه می‌توان امکان دوباره مستقیم و درست‌رفتن را فراهم کرد؟ این پرسش، برپرسش رانسانی است که زیر آوار، هنوز می‌خواهد نفس بکشد و زندگی کند.